

ارجاع در نشان‌گرهای اهمیت مطلب در سخنرانی‌های علمی دانشگاهی^۱

جواد زارع^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

چکیده

درک سخنرانی‌های علمی کلاسی استاد، برای دانشجویان امری دشوار است. این دشواری، می‌تواند ناشی از زودگذر بودن مطالب شفاهی ارائه‌شده و پراکندگی اطلاعات منسجم در سخنرانی‌ها باشد. آنچه می‌تواند به دانشجویان در درک این گونه سخنرانی‌ها کمک کند، شناخت این گونه سبک است. به همین منظور، هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی ارجاع در نشان‌گرهای اهمیت مطلب در سخنرانی‌های علمی انگلیسی است. به ویژه، این مقاله کوشیده است چگونگی ارجاع‌دهی در نشان‌گرهای اهمیت مطلب به وسیله استادان دانشگاه - با جنسیت مرد و زن - را بررسی نماید. رونوشت ۱۶۰ سخنرانی موجود در پیکره انگلیسی بیس، بررسی شد و فهرستی از ۱، ۳۵۰ نمونه نشان‌گر اهمیت مطلب استخراج شد. سپس، این نشان‌گرها به پنج دسته سازمان‌دهی کلام، تعامل با مخاطب، پوشش موضوع، وضعیت مطلب و ارتباط با امتحان گروه‌بندی شده و از جنبه ارجاع - پیش‌مرجع، پس‌مرجع و مرجع مشترک - برای استادان با

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.12606.1227

^۲ دکترای تخصصی، استادیار زبان‌شناسی کاربردی، دانشگاه کوثر بجنورد؛ javadzare@kub.ac.ir

جنسیت متفاوت بررسی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد؛ (۱) تمامی استادها، چه زن و چه مرد، بیشتر تمایل دارند در پیوند با نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام و وضعیتِ مطلب، به صورت پس‌مرجع به مطلبِ مهم اشاره کنند، (۲) هر دو گروه استادها، در ارتباط با ویژگی پوشش‌دهی موضوع، تقریباً به طور مساوی از نشان‌گرهای پیش‌مرجع و پس‌مرجع استفاده می‌کنند، (۳) ویژگی ارتباط با امتحان هم به وسیله استادهای مرد و زن، فقط به صورت پیش‌مرجع انجام می‌شود و (۴) تعامل با مخاطب، در نشان‌گرهای اهمیتِ مطلب، بیشتر به صورت پس‌مرجع صورت می‌گیرد. به طور کلی، پژوهش حاضر نشان داد، بیشتر نشان‌گرهای اهمیتِ مطلب در سخنرانی‌های علمی انگلیسی، پس‌مرجع هستند.

واژه‌های کلیدی: سخنرانی علمی، ارجاع، پیش‌مرجع، پس‌مرجع، مرجع-مشترک، پیکره

۱. مقدمه

امروزه سخنرانی علمی دانشگاهی^۱، بخش جدایی‌ناپذیر کلاس‌های درسی در دانشگاه است. اگرچه روش‌های جدیدتری برای آموزش و یادگیری در این زمینه معرفی شده‌اند، اما سخنرانی علمی دانشگاهی، هنوز هم سنگ بنای بسیاری از دوره‌ها در آموزش عالی است که مدرسان با استفاده از آن، دانش نظری خود را ارائه می‌دهند (Ellington, 2000; Suviniitty, 2010). بر اساس گزارش مرکز ملی آمار آموزشی^۲، سخنرانی دانشگاهی، به عنوان روشی بنیادین در آموزشی معرفی شده است که بیش از ۸۳ درصد اعضای هیئت علمی، در برخی و یا در همه کلاس‌های درسی خود از آن بهره برده‌اند (Wirt, Choy, Gread, Provasnik, Rooney, Watanabe, 2001). آرم‌برستر (Armbruster, 2000) نیز با بررسی‌های خود دریافت که گوش دادن به سخنرانی دانشگاهی، بیش از ۸۰ درصد از زمان کلاس را در دانشگاه به خود اختصاص می‌دهد. یافته‌های پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، نشان می‌دهد درک این سخنرانی‌ها برای دانشجویان امری دشوار است (Thompson, 2003). دشواری درک سخنرانی‌های دانشگاهی را می‌توان ناشی از زودگذر بودن مطالب ارائه شده در کلاس‌های درسی (Flowerdew, 1994) و همچنین پراکندگی به هم پیوسته اطلاعات در این سخنرانی‌ها دانست. درک همه مطالب، نیازمند توجه بسیار و پیوسته در هنگام سخنرانی است. هر چند مخاطبان این گونه سخنرانی‌ها می‌توانند با

¹ academic lecture

² National Center for Educational Statistics

یادداشت برداری مطالب در پیوند با مطالعه پس از آن، به درک بهتری دست یابند. در مواردی که سرعت صحبت کردن سخنران، بسیار بالا است و از جلوه‌های تصویری مانند نمایش عکس، برای ارائه نیز استفاده نمی‌شود، یادداشت برداری در این زمینه چندان یاری‌رسان نیست. در حالی که، شناخت این ژانر می‌تواند بسیار به دانشجویها در درک این گونه سخنرانی‌ها کمک کند. با توجه به کاستی‌های پژوهش‌های موجود، یکی از ویژگی‌هایی که می‌تواند موضوع مناسبی برای پژوهش باشد، چگونگی برجسته کردن و مجزا نمودن مطالب مهم از اطلاعات غیرضروری در این ژانر است. به بیان دیگر، دانستن اینکه چگونه استاد، اهمیت مطالب را به نمایش در می‌آورد، به مخاطب کمک می‌کند در هنگام پردازش و یادداشت برداری، بیشتر در پی مطالبی باشد که مهم جلوه داده می‌شود.

در سخنرانی‌های علمی کلاسی، استاد‌های دانشگاه، پاره‌گفتارهایی مانند (همچون، مهمه بدونید که، دور شو خط بکشید، ترتیب نوشتن این عملگرها واسمون مهمه، دقت کنید که من دارم بین رند و پریم هی عوض میکنم) مشاهده می‌شود که بیان‌گر اهمیت مطلبی است که بیان شده و یا قرار است به دانشجو ارائه شود. به این پاره‌گفتارها، نشان‌گر اهمیت یا ارتباط^۱ (Crawford, 1994; Camiciottoli, 2004, 2007; Deroey, 2014, 2015; Hunston, 1994) نشان‌گر اهمیت^۲ (Kiewra, 2002)، نشان‌گر تاکید^۳ (Jung, 2003; Bondi, 2008; Siepman, 2005)، نشان‌گر برجستگی^۴ (Heino et al., 2002) و (Siepman, 2005)، نشان‌های انتخاب^۵ (Titsworth & Kiewra, 2004) و تمرکزکننده‌ها^۶ (Simpson, 2004) گفته می‌شود. یکی از ویژگی‌های این نشان‌گرها، ارجاع^۷ است. به این معنا که نوع نشان‌گر، می‌تواند به موقعیت نشان‌گر نسبت به مطلب مهم، وابسته باشد. بر این اساس، مطلب مهم می‌تواند قبل از نشان‌گر (مانند، خیلی نکته خوبی، پس از آن (همچون، یه نکته‌ای رو اول اشاره کنم)، یا در هر دو موقعیت (مثل، آنچه گفتم نکته خوبیست که) آورده شود. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی ارجاع در نشان‌گرهای اهمیت مطلب در سخنرانی‌های علمی انگلیسی است. به ویژه، این مقاله کوشیده‌است، چگونگی ارجاع‌دهی در نشان‌گرهای اهمیت مطلب، توسط استاد‌های دانشگاه با دو جنسیت مرد و زن را بررسی کند.

¹ relevance or importance marker

² importance cues

³ emphasis markers, emphatics, and emphaziers

⁴ saliency markers

⁵ selection cues

⁶ focusers

⁷ reference

۲. پیشینه پژوهش

هادسون (Hunston, 1994) چهار ویژگی را برای نشان‌گرهای ارتباط بیان می‌کند که ۱. پیش‌مرجع^۱ یا پس‌مرجع^۲ هستند، ۲. آشکارا ارتباط را بیان می‌کنند، ۳. کلام را ارزیابی می‌کنند، پس فراکلامی^۳ هستند و ۴. نقشی عمده در سازمان‌دهی کلام دارند. نخستین ویژگی نشان‌گرهای ارتباط، در پیوند با موقعیت آن‌ها نسبت به کلام، برجسته شده‌است. اگر این نشان‌گرها پس از مطلب مهم به کار گرفته شوند، پیش‌مرجع بوده و چنان‌چه قبل از مطلب برجسته‌شده، بیان شوند پس‌مرجع به شمار می‌روند. ویژگی دوم نشان‌گرهای اهمیت، در ارتباط با آشکارا بودن، برجسته کردن مطالب است. ویژگی سوم و چهارم نشان‌گرهای اهمیت، مربوط به طبیعت فراکلامی آن‌ها است. بر مبنای دیدگاه هی‌لند (Hyland, 2005 & 2010)، فراکلام^۴، پاره‌گفتارهایی نامیده می‌شود که برای سازمان‌دهی کلام و بیان موضع، در پیوند با محتوا یا مخاطب‌ها استفاده می‌شوند. در نتیجه، برجسته کردن مطالب، ترکیبی است از سازمان‌دهی کلام و ارزیابی (Deroey & Taverniers, 2011). ماهیت فراکلامی نشان‌گرهای اهمیت را می‌توان در نمونه‌هایی از این نشان‌گرها و در فراکلام‌های «مرزبندی موضوع»^۵، «مشخص کردن مطالب بی‌ربط»^۶، «مدیریت مطلب»^۷، «برجسب زدن اعمال بیانی»^۸ (Adel, 2010) و «فراکلام ساختاردهی متن»^۹ (Thompson, 2003) مشاهده نمود.

به‌طور کلی، پژوهش‌های محدودی وجود دارند که موضوع تفکیک مطلب‌های مهم از غیر مهم را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها، درباره سخنرانی‌های انگلیسی به پژوهش‌های کرافورد کامکتولی (Crawford Camiciottoli, 2004; Crawford Camiciottoli, 2007)، دیترووی (Deroey, 2015)، دیترووی و تاوقنیر (Deroey and Taverniers, 2012a; Deroey and Taverniers, 2012b) و پارتینگتون (Partington, 2014) و درباره سخنرانی‌های فارسی نیز به زارع و همکاران (Zare et al., In Press A; Zare et al., In Press B) محدود می‌شود. آثار کرافورد کامکتولی (Crawford Camiciottoli, 2004; Crawford Camiciottoli, 2007)، از جمله پژوهش‌هایی هستند که به شیوه خاصی، نشان‌گرهای اهمیت یا ارتباط را بررسی

¹ retrospective

² prospective

³ metadiscoursal

⁴ metadiscourse

⁵ delimiting topic

⁶ marking asides

⁷ managing the message

⁸ speech act labelling

⁹ text-structuring metadiscourse

کرده‌اند. پژوهش آن‌ها، بررسی واژ-دستوری نشان‌گرهای ارتباط را به ۱۲ سخنرانی مربوط به پژوهش‌های کسب و کار و ۱۰ سخنرانی مستخرج از مایکس^۱ از رشته‌های مختلف محدود کرد. در نتیجه پژوهش آن‌ها، ۱۲ الگوی واژ-دستوری برای نشان‌گرهای اهمیت در زبان انگلیسی به دست آمد. این الگوها، سپس بر اساس موقعیت، به نشان‌گرهای پیش‌مرجع و پس‌مرجع گروه‌بندی شدند. این الگوها ترکیبی از اسم‌های اشاره، صفت‌های ارتباطی، اسم‌های فرازبانی و فعل ربطی «بودن»^۲ بودند. ساختارهای «ضمیر اشاره - فعل - صفت»^۳ (همانند، این مهم است) و «ادات معرفه - صفت - اسم - فعل»^۴ (مانند، نکته‌ی اصلی این است که) به ترتیب در میان ساختارهای پیش‌مرجع و پس‌مرجع از دیگر ساختارها پرشمارتر یافت شدند. البته، ساختارهای پس‌مرجع، بسیار پرشمارتر از ساختارهای پیش‌مرجع بودند.

در پژوهشی دیگر، دیتروی و تاوونیر (Deroy and Taverniers, 2012a)، ۱۶۰ سخنرانی موجود در پیکره بیس را بررسی کردند تا ویژگی‌های واژ-دستوری نشان‌گرهای ارتباط را در زبان انگلیسی استخراج کنند. ترکیب‌های گوناگونی از صفت، اسم، فعل و قید برای نشان‌گرهای ارتباط در زبان انگلیسی یافت شد. آن‌ها، این ساختارها را بر اساس عنصر اصلی برجسته‌کننده^۵ مطلب به چهار گروه اسمی، فعلی، صفتی و قیدی دسته‌بندی کردند. جالب‌توجه است که الگوی فعلی «فعل - جمله‌واره»^۵ (مانند، به یاد داشته باشید برده‌داری در حال حاضر منسوخ است) و الگوی اسمی «اسم - فعل ربطی»^۶ (همچون، نکته این است که) به ترتیب پر تکرارترین ساختارها بودند.

پارتینگتون (Partington, 2014)، چگونگی برجسته‌کردنِ مطلب‌های مهم را در سخنرانی‌های تد^۷ در سطح‌های خرد و کلان^۸ بررسی کرده‌است. پیکره^۹ وی، متشکل بر ۲۷ سخنرانی تد است که مابین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ ارائه شده و از وب‌گاه^{۱۰} تد، دریافت شده‌است. در این پیکره، ۱۲ سخنرانی از رشته اقتصاد و ۱۵ سخنرانی از رشته‌های مرتبط با حوزه علم و فن آوری گنجانده شده بود. به‌طور کلی، برجسته‌کردن مطالب در سخنرانی‌های تد به دو روش درون‌متنی^۹ و برون‌متنی^{۱۰} انجام شد. بررسی نشان‌گرهای اهمیت درون‌متنی نشان داد که آن‌چه گوینده قرار است بگوید

¹ MICASE

² is

³ DEIC IS ADJ

⁴ DET ADJ META N IS

⁵ 'V - clause'

⁶ MN v-link

⁷ TED

⁸ local and macro levels

⁹ endophoric importance or relevance marking

¹⁰ exophoric importance or relevance marking

(پس مرجع^۱) و یا به تازگی گفته است (پیش‌مرجع^۲) مهم است. همچنین نشان‌گرهای اهمیت برون‌متنی نمایان‌گر آن هستند که تا چه اندازه موضوع مورد بحث در دنیای بیرون اهمیت دارد (Thompson & Hunston, 2000). فراوانی نشان‌گرهای اهمیت برون‌متنی بیشتر از دیگر نشان‌گرهای اهمیت بودند. یافته‌های پژوهش پارتینگتون (Partington, 2014)، بیان‌گر این امر است که سخنران‌های تد، باید اهمیت کار خود را به مخاطب القا کرده و آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. علاوه بر این، وی چهار نوع نشان‌گر اهمیت را معرفی کرد که مشتمل بر (الف) واژگان و الگوهای کلمه‌ای ساده^۳، (ب) ضرورت^۴، (پ) ارتباط به شخص^۵ و (ت) عدد بزرگ^۶ هستند. واژگان و الگوهای کلمه‌ای ساده، نیازمند بهره‌گیری از واژه‌هایی است که به صورت آشکار، اهمیت مطالب را نشان می‌دهند (مانند، کلیدی، حیاتی، مهم، ضروری) (Bednarek, 2006). ضرورت، نیازمند بیان ضرورت انجام چیزی است (برای نمونه، شما بایستی، بنابراین ما نیاز داریم). اهمیت دادن به شخص، از طریق ارتباط دادن مطلب به شخص صورت می‌گیرد (برای نمونه، این مثالی است که روزی به آن نیاز دارید). آخرین نوع نشان‌گر اهمیت، مربوط به مواردی است که در آن از عددهای بزرگ، برای بیان اهمیت استفاده می‌شود (مانند «و آن ۱۰ برابر بیشتر و سریع‌تر از هر چیزی است که ما تا به حال در تاریخ صنعتی به دست آورده‌ایم.»).

زارع و همکاران (Zare, et al., in press, B) چگونگی کم‌رنگ کردن مطالب در سخنرانی‌های علمی فارسی را بر اساس نقش کلامی^۷ بررسی کرده‌اند. روش مورد استفاده در این پژوهش، ترکیبی و پیکره‌محور بوده است. تجزیه و تحلیل آن‌ها بر روی چگونگی بی‌اهمیت جلوه دادن مطالب بر اساس ۶۰ سخنرانی علمی گنجانده شده در پیکره فارسی سخن^۸ بود. آن‌ها دریافتند کم‌رنگ کردن مطالب در سخنرانی‌های علمی فارسی، فقط با استفاده از پنج دسته نشان‌گر انجام می‌شود که شامل مواردی از این قبیل هستند؛ ۱. سازمان‌دهی کلام یا مرزبندی بین مطالب مهم و جانبی، ۲. تعامل با مخاطب یا سوق دادن مخاطب به بخش‌هایی از کلام که باید نادیده گرفته شود، ۳. پوشش موضوع یا بیان صریح اینکه چه بخش‌هایی مفصل و چه بخش‌هایی

¹ cataphoric marking

² anaphoric marking

³ concordancing lexical items and simple word patterns

⁴ necessity

⁵ personal relevance

⁶ big number

⁷ discourse function

^۸ رونوشت‌های استفاده شده در این مقاله برگرفته از پیکره فارسی سخن است که در پارک علم و فناوری خراسان شمالی با مدیریت جواد زارع و زهرا کیوانلو توسعه یافت. ساخت این پیکره، با حمایت مادی و معنوی پارک علم و فناوری خراسان شمالی و مجتمع آموزش عالی اسفراین انجام پذیرفت.

به طور خلاصه شرح داده می‌شود، ۴. وضعیت مطلب یا ارزیابی مطالب بر اساس یک سلسله مراتب از اهمیت و ۵. ارتباط با امتحان یا افشای مطالبی که در امتحان نمی‌آید.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش از پیکره انگلیسی بیس^۱ استفاده شد. این پیکره زبانی، از ۱۶۰ سخنرانی انگلیسی دانشگاهی تشکیل شده‌است که مابین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ در دانشگاه‌های واریک^۲ و ریدینگ^۳ در انگلستان ضبط شده‌اند. رونوشت^۴ همه این سخنرانی‌ها در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. در پیکره بیس، تعداد سخنرانی‌های استاد‌های مرد ۱۱۴ عدد و استاد‌های زن ۴۶ عدد است. روش پژوهش حاضر، پیکره‌محور است. به این ترتیب که در ابتدا تعداد ۴۰ سخنرانی از ۱۶۰ سخنرانی موجود در پیکره بیس انتخاب شده، سپس رونوشت این سخنرانی‌ها به دقت خوانده شده و نشان‌گرهای اهمیت مطلب از آن‌ها استخراج شد. در این زمینه، فقط پاره‌گفتارهایی که اهمیت پدیده‌های کلامی^۵ را ارزیابی می‌کردند، در فهرست این نشان‌گرها گنجانده شدند. سپس با استفاده از این پاره‌گفتارها به‌عنوان کلیدواژه^۶ در نرم‌افزار اسکچ انجین^۷ (Kilgarriff et al., 2014)، فهرستی^۸ از نشان‌گرهای اهمیت مطلب از ۱۶۰ سخنرانی موجود در پیکره بیس تهیه شد. این فهرست متشکل بر ۲۳،۰۰۰ نمونه نشان‌گرهای احتمالی اهمیت مطلب بود. سپس، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل کلام، تمامی ۲۳،۰۰۰ نشان‌گر احتمالی اهمیت مطلب، به‌صورت جداگانه بررسی شد. در این مرحله، پاره‌گفتارهایی که بیان‌گر اهمیت مطلب نبودند، یا اهمیت پدیده‌های غیر کلامی^۹ را نشان می‌دادند، حذف شدند. در پایان، تعداد ۳۵۰،۱ نمونه نشان‌گر اهمیت مطلب یافت شد. سپس، این نشان‌گرها از جنبه نقش در کلام - سازمان‌دهی کلام، تعامل با مخاطب، پوشش موضوع، وضعیت مطلب و ارتباط با امتحان و ارجاع پیش‌مرجع، پس‌مرجع و مرجع مشترک در ارتباط با استاد‌های مرد و زن بررسی شدند.

^۱ پیکره BASE در دانشگاه‌های Warwick و Reading با راهنمایی Hilary Nesi و Paul Thompson ساخته شد. توسعه پیکره با حمایت مادی EURALEX، BALEAP و British Academy و Arts and Humanities Research Council صورت گرفت. این پیکره در Oxford Text Archive با آدرس <http://ota.ox.ac.uk/headers/2525.xml> قابل دسترسی است.

^۲ Warwick

^۳ Reading

^۴ transcript

^۵ discourse entities

^۶ lexeme

^۷ Sketch Engine

^۸ concordance

^۹ world entities

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل نشان‌گرهای اهمیتِ مطلب، نشان داد، صرف‌نظر از جنسیت سخنران، بیان اهمیت نیز مانند کم‌رنگ کردن مطالب با استفاده از پنج نقش کلامی سازمان‌دهی کلام، وضعیت مطلب، پوشش موضوع، ارتباط با امتحان و تعامل با مخاطب انجام می‌شود. در این جا، عبارت‌های سازمان‌دهنده کلام، پاره‌گفتارهایی هستند که مطالب سخنرانی را به نکته‌های اصلی و بخش‌های جانبی و کم‌اهمیت دسته‌بندی می‌کنند (۱، ۲). نشان‌گرهای وضعیت مطلب به ارزیابی مطالب از جنبه اهمیت و ارتباط می‌پردازند (۳، ۴). عبارت‌های مربوط به پوشش موضوع، پاره‌گفتارهایی هستند که چگونگی پوشش موضوع - به صورت مفصل و با اشاره به جزئیات یا به طور خلاصه و بسیار کوتاه - را بیان می‌کنند (۵، ۶). ارتباط با امتحان، نیازمند ارتباط دادن مطالب بیان‌شده در سخنرانی با موضوعاتی است که ممکن است در امتحان آورده شود (۷، ۸). تعامل با مخاطب، مستلزم سوق دادن مخاطب به بخش‌هایی از کلام است که توسط سخنران مهم به شمار می‌آید (۹، ۱۰). در ادامه، این نشان‌گرها از جنبه ارجاع، همراه با ارائه نمونه‌هایی بررسی می‌شود.

۴.۱. سازمان‌دهی کلام

از جنبه موقعیت، نکته برجسته‌شده، نسبت به نشان‌گر اهمیت، نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام در سخنرانی‌های علمی کلاسی را می‌توان به سه گروه پیش‌مرجع^۱، پس‌مرجع^۲ و مرجع‌مشترک^۳ گروه‌بندی کرد (Deroey, 2015). نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام پیش‌مرجع، پاره‌گفتارهایی هستند که در آن‌ها نشان‌گر اهمیت - اسم فرازبانی - پس از نکته مهمی آورده می‌شود؛ بنابراین به محض شنیدن اسم فرازبانی، مخاطب باید به عقب برگردد تا نکته مهم را دریابد (۱).

1. that's the message in all of these evolutionary studies (Islct003)

اما در نشان‌گرهای پس‌مرجع، نکته مهم پس از نشان‌گر بیان می‌شود (۲)؛ بنابراین به‌منظور پیدا

کردن مطلب مهم، مخاطب باید به گوش باشد چه مطلبی پس از اسم فرازبانی آورده می‌شود.

2. let's see how we go now the point is just imagine that (Islct039)

نشان‌گرهای مرجع‌مشترک، ترکیبی هستند از نشان‌گرهای پیش‌مرجع و پس‌مرجع. در این

دسته نشان‌گرها مطلب مهم هم پیش و هم پس از نشان‌گر تکرار می‌شود (۳). از این رو، اگر

مخاطب بار نخست، متوجه وجود نکته مهم نشود، می‌تواند پس از شنیدن نشان‌گر، نکته مهم

بیان‌شده را با عبارتی دیگر دریابد.

¹ anaphoric referencing

² cataphoric referencing

³ joint referencing

3. that's a sort of take home message that every protein (IsIct003)

جدول (۱)، فراوانی نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام را از جنبه ارجاع و با تفکیک جنسیت سخنران، به نمایش درآورده است.

جدول ۱. پراکندگی نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام از جنبه ارجاع

ارجاع	استادهای مرد		استادهای زن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پیش‌مرجع	۳۹	۱۷,۸	۱۲	۲۰
پس‌مرجع	۱۷۶	۸۰,۴	۴۶	۷۶,۷
مرجع‌مشترک	۴	۱,۸	۲	۳,۳
مجموع	۲۱۹	۱۰۰	۶۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، از جنبه ارجاع در نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام، تفاوت ناچیزی مابین سخنران‌های مرد و زن یافت شد. هم ارائه‌دهنده‌های مرد و هم ارائه‌دهنده‌های زن بیشتر تمایل داشتند در نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام به صورت پس‌مرجع به مطالب مهم اشاره کنند. این امر با یافته‌های دیتروی (Deroey, 2015)، کرافورد کامکتولی (Crawford Camiciottoli, 2007) و اسویلز (Swales, 2001) همسو است. آن‌ها «نکته» را به عنوان یک واژه خوداشاره یافتند که برای بیان اهمیت مطلبی که پس از آن آورده می‌شود. پرشماری نشان‌گرهای پس‌مرجع را می‌توان به این امر نسبت داد که موقعیت اولیه نشان‌گر نسبت به مطلب مهم، می‌تواند از پیش، مخاطب را از بیان این مطلب مهم آگاه ساخته و آن‌ها را آماده گوش کردن و یادداشت‌برداری کند. از این رو، این دسته از نشان‌گرها برای مخاطب اهمیت بسیاری دارند.

۴.۲. وضعیت مطلب

نشان‌گرهای وضعیت مطلب را نیز می‌توان از جنبه ارجاع -پیش‌مرجع، پس‌مرجع و مرجع‌مشترک- بیشتر بررسی کرد. جدول (۲)، یافته‌های تجزیه و تحلیل نشان‌گرهای وضعیت مطلب را از جنبه ارجاع نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، هیچ‌یک از نشان‌گرهای وضعیت مطلب، در سخنرانی‌های استادان مرد و زن مرجع‌مشترک نبودند. در واقع، هم استادان زن و هم استادان مرد، بیشتر تمایل داشتند از نشان‌گرهای پس‌مرجع (۴) استفاده کنند تا نشان‌گرهای پیش‌مرجع (۵).

جدول ۲. پراکندگی نشان‌گرهای وضعیت مطلب از جنبهٔ ارجاع

ارجاع		استادهای مرد		استادهای زن	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
پیش مرجع	۶۷	۲۷	۲۸	۴۰	
پس مرجع	۱۸۱	۷۳	۴۲	۶۰	
مرجع مشترک	-	-	-	-	
مجموع	۲۴۸	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	

اگرچه فراوانی کاربرد نشان‌گرهای پس مرجع و پیش مرجع توسط استادهای مرد و زن یکسان نیست، اما جالب است که هر دو گروه استاداها ترجیح دادند بیشتر از نشان‌گرهای پس مرجع استفاده کنند. با توجه به ماهیتِ زودگذر سخنرانی (Flowerdew, 1994)، پرشماری نشان‌گرهای وضعیت مطلب پس مرجع را می‌توان همانند نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام، با این واقعیت مرتبط کرد که این گروه از نشان‌گرها، به مخاطب کمک می‌کنند از پیش برای یادداشت‌برداری و توجه کردن به مطالب برنامه‌ریزی کرده و به گوش باشد.

4. now a more important concept is relative volume depletion (IsIct033)

5. and that is one of the important questions here in this model (ssIct030)

۴.۳. پوشش موضوع

جدول (۳)، یافته‌های تجزیه و تحلیل نشان‌گرهای پوشش موضوع را از جنبهٔ ارجاع نشان می‌دهد.

جدول ۳. پراکندگی نشان‌گرهای پوشش موضوع از جنبهٔ ارجاع

ارجاع		استادهای مرد		استادهای زن	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
پیش مرجع	۲۴	۵۲,۱۸	۴	۴۴,۴۵	
پس مرجع	۲۲	۴۷,۸۲	۵	۵۵,۵۵	
مرجع مشترک	-	-	-	-	
مجموع	۴۶	۱۰۰	۹	۱۰۰	

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، نشان‌گرهای پوشش موضوع نیز همانند نشان‌گرهای وضعیت موضوع، مرجع مشترک نیستند. در عوض، از نظر تعداد، نشان‌گرهای این دسته تقریباً به‌طور مساوی پیش مرجع (۶) و پس مرجع (۷) بودند. لازم به اشاره است که تفاوت فراوانی نشان‌گرهای پیش مرجع و پس مرجع، هم برای استادهای مرد و هم برای استادهای زن اندک بود.

6. wide range of different styles which I'll go into in some detail (ahlct040)

7. I shall be looking at in detail at the balance of power (sslct018)

۴. ۴. ارتباط با امتحان

جدول (۴) یافته‌های تجزیه و تحلیل نشان‌گرهای ارتباط با امتحان را از جنبه ارجاع نشان می‌دهد.

استادهای زن		استادهای مرد		ارجاع
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۴	۱۰۰	۹	پیش‌مرجع
-	-	-	-	پس‌مرجع
-	-	-	-	مرجع مشترک
۱۰۰	۴	۱۰۰	۹	مجموع

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، هم استادهای مرد و هم استادهای زن، در نشان‌گرهای ارتباط با امتحان فقط ارجاع پیش‌مرجع داشتند (۸). هیچ‌یک از نشان‌گرهای ارتباط با امتحان، پس‌مرجع یا مرجع مشترک نبودند. با توجه به ماهیت زودگذر سخنرانی‌ها (Flowerdew, 1994) و این واقعیت که کلیه نشان‌گرهای ارتباط با امتحان پیش‌مرجعی بودند، مخاطب احتمالاً در یافتن موضوع یا مطلبی که دانستن آن برای امتحان ضروری است، با مشکل مواجه می‌شود.

8. concentration it is something that you can be examined on (lslct014)

۴. ۵. تعامل با مخاطب

جدول (۵)، نتایج تجزیه و تحلیل نشان‌گرهای تعامل با مخاطب را از جنبه ارجاع نشان می‌دهد.

استادهای زن		استادهای مرد		ارجاع
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۳٫۸۸	۳۰	۹٫۳۸	۴۴	پیش‌مرجع
۸۶٫۱۲	۱۸۶	۹۰٫۶۲	۴۲۵	پس‌مرجع
-	-	-	-	مرجع مشترک
۱۰۰	۲۱۶	۱۰۰	۴۶۹	مجموع

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، بیشتر نشان‌گرهای تعامل با مخاطب هم در سخنرانی‌های استاد‌های مرد و هم در سخنرانی‌های استاد‌های زن، پس‌مرجع بودند (۹). فقط تعداد محدودی از این نشان‌گرها (۹،۳۸٪، ۱۳،۸۸٪) پیش‌مرجع (۱۰) بودند. با توجه به این واقعیت که گوش‌دادن و درک سخنرانی، نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها مانند پردازش هم‌زمان اطلاعات است که با خواندن و درک مطلب تفاوت دارد (Buck, 1992; Flowerdew, 1994)، امر پردازش و درک اطلاعات سخنرانی‌ها بسیار مشکل‌تر است. از این رو، یافتن اطلاعاتی که قرار است در پی هم اشاره شوند و توجه به این مطالب، بسیار راحت‌تر از پیدا کردن و یادداشت‌برداری مطالبی است که به‌تازگی بیان شده‌اند.

9. I think we have to bear in mind here in CELTE that we are working (sslct040)

10. and it's difficult to get it right you have to bear that in mind (lslct001)

۵. نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی نشان‌گرهای اهمیت مطلب از جنبه ارجاع در سخنرانی‌های علمی انگلیسی بود. آنچه ضرورت انجام مقاله حاضر را مسلم می‌کند، آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان با زبان سخنرانی‌های علمی کلاسی است. از این رو، ویژگی‌های کلامی این ژانر، باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه در این پژوهش، فقط ویژگی‌های شفاهی سخنرانی‌ها بررسی شد، از هرگونه نتیجه‌گیری کلی درباره چگونگی برجسته کردن مطالب در سخنرانی‌های علمی کلاسی باید پرهیز شود. با این وجود یافته‌های پژوهش نشان داد: ۱. هم استاد‌های مرد و هم استاد‌های زن، بیشتر تمایل دارند در نشان‌گرهای سازمان‌دهی کلام و وضعیت مطلب به صورت پس‌مرجع به مطلب مهم اشاره کنند. ۲. هر دو گروه استادها در پوشش موضوع تقریباً به صورت مساوی از نشان‌گرهای پیش‌مرجع و پس‌مرجع استفاده می‌کنند. ۳. ارتباط با امتحان هم توسط استاد‌های مرد و هم به وسیله استاد‌های زن فقط به صورت پیش‌مرجع انجام می‌شود. ۴. تعامل با مخاطب در نشان‌گرهای اهمیت مطلب بیشتر به صورت پس‌مرجع انجام می‌شود. در پایان، به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، بیشتر نشان‌گرهای اهمیت مطلب در سخنرانی‌های علمی انگلیسی پس‌مرجع هستند. با توجه به این واقعیت که در این نشان‌گرها مطلب مهم پس از نشان‌گر بیان می‌شود، این امر به تشخیص نکته مهم و درک آن بسیار کمک می‌کند. به طور کلی، از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان در طراحی دوره‌های آموزشی «شیوه سخنرانی» و «شنیدن و درک سخنرانی» برای افرادی که انگلیسی را به عنوان زبان دوم یا خارجی استفاده می‌کنند، بهره برد.

فهرست منابع

زارع، جواد، عباس اسلامی راسخ و عزیزالله دباغی (۱۳۹۶). «این نکته‌ای که من می‌خوام اینجا دقت کنید»: برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های علمی فارسی». *زبان پژوهی*، سال ۹، شماره ۲۳، صص ۷۹-۱۰۳.

زارع، جواد، عباس اسلامی راسخ و عزیزالله دباغی (۱۳۹۵). «بی‌اهمیت جلوه دادن مطالب در ارائه‌های علمی فارسی: دسته‌بندی بر اساس نقش در کلام». *جستارهای زبانی*، دوره ۷، شماره ۷، صص ۵۱-۷۱.

Ädel, A. (2010). Just to give you kind of a map of where we are going: a taxonomy of metadiscourse in spoken and written academic English. *Nordic Journal of English Studies*, 9 (2), 69-97.

Armbruster, B. B. (2000). Taking notes from lectures. In R. F. Flipppo & D. C. Caverly (Eds.), *Handbook of College Reading and Study Strategy Research* (pp. 221-260). Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Bednarek, M. (2006). *Evaluation in media discourse*. London: Continuum.

Bondi, M. (2008). Emphatics in academic discourse: Integrating corpus and discourse tools in the study of cross-disciplinary variation. In A. Ädel & R. Reppen (Eds.), *Corpora and Discourse: The Challenges of Different Settings* (pp. 31-55). Amsterdam: John Benjamins.

Buck, G. (1992). Listening comprehension: construct validity and trait characteristics. *Language Learning*, 42(3), 313-357.
doi:10.1111/j.1467-1770.1992.tb01339.x

Crawford Camiciottoli, B. (2004). Audience-oriented relevance markers in business studies lectures. In G. Del Lungo Camiciotti & E. Tognini Bonelli (Eds.), *Academic Discourse: Linguistic Insights into Evaluation* (pp. 81-97). Bern: Peter Lang.

Crawford Camiciottoli, B. (2007). *The language of business studies lectures*. Amsterdam: John Benjamins Co.

Deroey, K. L. B. (2014). "Anyway, the point I'm making is": lexicogrammatical relevance marking in lectures. In V. Lieven, K. Davidse, C. Gentens & D. Kimps (Eds.), *Recent Advances in Corpus Linguistics: Developing and Exploiting Corpora* (pp. 265-291). Amsterdam: Rodopi.

Deroey, K. L. B. (2015). Marking importance in lectures: Interactive and textual orientation. *Applied Linguistics*, 36 (1), 51-72.
doi:10.1093/applin/amt029

Deroey, K. L. B., & Taverniers, M. (2011). A corpus-based study of lecture functions. *Moderna Språk*, 105 (2), 1-22.

Deroey, K. L. B., & Taverniers, M. (2012a). Just remember this: lexicogrammatical relevance markers in lectures. *English for Specific Purposes*, 31 (4), 221-233.
doi:10.1016/j.esp.2012.05.001

Deroey, K. L. B., & Taverniers, M. (2012b). 'Ignore that 'cause it's totally irrelevant': Marking lesser relevance in lectures. *Journal of Pragmatics*, 44 (14), 2085-2099.
doi:10.1016/j.pragma.2012.10.001

Ellington, H. (2000). How to become an excellent tertiary-level teacher. Seven golden rules for university and college lecturers. *Journal of Further and Higher Education*, 24 (3), 311-321.
doi:10.1080/030987700750022253

Flowerdew, J. (1994). Research of relevance to second language lecture comprehension: an overview. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic Listening: Research Perspectives* (pp. 7-29). Cambridge: Cambridge University Press.

- Heino, A., Tervonen, E., & Tommola, J. (2002). Metadiscourse in academic conference presentations. In E. Ventola, C. Shalom, & S. Thompson (Eds.), *The Language of Conferencing* (pp. 127–146). Bern: Peter Lang.
- Hunston, S. (1994). Evaluation and organization in a sample of written academic discourse. In M. Coulthard (Ed.), *Advances in Written Text Analysis* (pp. 191–218). London: Routledge.
- Hyland, K. (2005). *Metadiscourse: exploring interaction in writing*. London: Continuum.
- Hyland, K. (2010). Metadiscourse: mapping interactions in academic writing. *Nordic Journal of English Studies*, 9, 125–143.
- Jung, E. H. (2003). The role of discourse signaling cues in second language listening comprehension. *The Modern Language Journal*, 87 (4), 562–577.
doi: 10.1111/1540-4781.00208
- Kiewra, K. A. (2002). How classroom teachers can help students learn and teach them how to learn. *Theory into Practice*, 41 (2), 71–80.
doi:10.1207/s15430421tip4102_3
- Kilgarrieff, A., Baisa, V., Bušta, J., Jakubiček, M., Kovář, V., Michelfeit, J., Rychlý, P., & Suchomel, V. (2014). The sketch engine: ten years on. *Lexicography*, 1 (1), 7–36.
- Partington, A. (2014). The marking of importance in ‘Enlightenment’ talks. In M. Gotti & D. S. Giannoni (Eds.), *Corpus Analysis for Descriptive and Pedagogical Purposes* (pp. 143–166). Bern: Peter Lang.
- Siepmann, D. (2005). *Discourse markers across languages: a contrastive study of second-level discourse markers in native and non-native text with implications for general and pedagogic lexicography*. New York: Routledge.
- Simpson, R. (2004). Stylistic features of academic speech: the role of formulaic expressions. In U. Connor & T. A. Upton (Eds.), *Discourse in the Professions: Perspectives from Corpus Linguistics* (pp. 37–64). Amsterdam: John Benjamins.
- Suviniitty, J. (2010). Lecturers questions and student perception of lecture comprehension. *Helsinki English Studies*, 6, 44–57.
- Swales, J. M. (2001). Metatalk in American academic talk the cases of point and thing. *Journal of English Linguistics*, 29(1), 34–54.
doi:10.1177/00754240122005189
- Thompson, G., & Hunston, S. (2000). Evaluation: an introduction. In S. Hunston & G. Thompson (Eds.), *Evaluation in Text: Authorial Stance and the Construction of Discourse* (pp. 1–27). Oxford: Oxford University Press.
- Thompson, S. E. (2003). Text-structuring metadiscourse, intonation and the signaling of organization in academic lectures. *Journal of English for Academic Purposes*, 2 (1), 5–20.
doi:10.1016/S1475-1585(02)00036-X
- Titsworth, B. S., & Kiewra, K. A. (2004). Spoken organizational lecture cues and student note taking as facilitators of student learning. *Contemporary Educational Psychology*, 29 (4), 447–461.
doi:10.1016/j.cedpsych.2003.12.001
- Wirt, J., Choy, S., Greal, D., Provasnik, S., Rooney, P., & Watanabe, S. (2001). *The condition of education*. Washington, DC: Government Printing Office.
- Zare, J., Eslami-Rasekh, A., & Dabaghi, A. (In press, A). “The point I want you to have in mind”: marking important points in Persian academic lectures. *Zabanpazhouhi* [in Persian].
- Zare, J., Eslami-Rasekh, A., & Dabaghi, A. (In press, B). Marking unimportant information in Persian academic lectures: a taxonomy based on discourse functions. *Language Related Research* [in Persian].

Reference in importance markers

Case study: English academic lectures¹

Javad Zare

Received: 2016/12/24

Accepted: 2018/02/05

Background

Comprehending English academic lectures is difficult for students whose mother tongue is not English. This difficulty is mostly due to the ephemeral nature of lectures and information overload. An understanding of how importance is signified in lectures might benefit lecture comprehension; to this end, this paper studies English academic lectures as a case study of reference in importance markers.

Expressions that help students distinguish between important and unimportant information are referred to as relevance markers (Crawford Camiciottoli, 2007; Deroey & Taverniers, 2012a; Hunston, 1994), importance cues (Kiewra, 2002), emphasizees (Siepmann, 2005), section cues (Titsworth & Kiewra, 2004), and focusers (Simpson, 2004).

According to Hunston (1994), relevance markers have four distinguishing features. First, they may be retrospective or prospective (p.199); this feature is related to the placement of the important information, no matter whether it is placed before or after the importance marker. Second, relevance markers overtly mark the relevance of preceding, or subsequent stretches of text (p.199); this feature is related to the use of evaluative language (e.g., important, unimportant) to mark importance. Third, relevance markers evaluate the discourse itself and are thus metadiscoursal (p. 199). Finally, they play an important role in organizing discourse (p. 199).

¹ . (DOI): [10.22051/JLR.2018.12606.1227](https://doi.org/10.22051/JLR.2018.12606.1227)

² Assistant Professor of Applied Linguistics, Kowsar university of Bojnourd, Iran
javadzare@kub.ac.ir

Deroey (2015) has derived importance markers from 160 lectures of the BASE corpus and classified them in terms of participants' orientation and discourse. Deroey observed that importance markers pertaining to content, listener, speaker, or joint orientation followed the patterns of MN-link, Vh/clause, Ipers pron V n/clause and Ippers pron V n/clause respectively. Additionally, importance markers with prospective, retrospective, or combined orientation to highlighted discourse had the patterns of [Vh/clause and MN-link], [de v-link ADJ, de v-link MN, and cdc v-link adj MN], and [Ipers pron V n/clause and cdc v-link adj MN], respectively. Deroey also found most markers to be directed towards either the content (e.g. the point is) or the listeners (e.g. you should remember). Few importance markers were observed to be oriented towards the speaker (e.g. I should stress) or the speaker and listeners jointly (e.g. I want you to notice). Moreover, Deroey found many content-oriented markers with secondary listener orientation (e.g., these are the things to take home).

Partington (2014) examined importance marking at local and macro levels in TED talks. The corpus Partington based his study on comprised transcripts of 27 TED talks gathered in 2007- 2012 and was downloadable from the TED website. Generally, Partington found importance marking in TED talks to be of two types: endophoric and exophoric. Endophoric importance marking indicates that what the speaker is about to say (cataphoric marking)° or has just said (anaphoric marking)° is a key point in the development of his/her talk. Exophoric importance marking or real-world oriented importance marking (Thompson & Hunston, 2000, p. 24) stresses how the topic the speaker is expounding on, or the work he/she is describing, has importance in real, extra-textual world (Thompson & Hunston, 2000). Partington found exophoric importance marking or reference to real-world considerations to be the most common type of importance marking (p. 149).

Methodology

The analytical procedure of this study was a combination of corpus linguistics and discourse analysis. A corpus-driven approach was

followed to retrieve importance markers and a discourse analytic approach was followed to investigate their reference.

The corpus used in this investigation to derive importance markers was British Academic Spoken English (BASE) Corpus. The BASE corpus was developed at the Universities of Warwick and Reading in England under the directorship of Hilary Nesi and Paul Thompson. BASE comprises the audio and video recordings, and the transcripts of 160 English lectures and 39 seminars, totaling 1,644,942 words. The lecture section which is the basis for the analysis of this paper contains 1,186,290 words; they were recorded between 1998 and 2005. Lectures are equally distributed across four broad disciplinary groups, i.e. arts and humanities (ah), life and medical sciences (ls), physical sciences (ps), and social studies (ss).

The transcripts of 160 English academic lectures of the BASE corpus, delivered by male and female lecturers, were investigated. 1,350 concordances of importance markers were extracted and analyzed in terms of reference~ anaphoric, cataphoric, and shared.

Results and conclusion

The results showed that (1) both male and female lecturers tend to give cataphoric reference to importance markers in organizing discourse and subject status, than anaphoric one; (2) male and female lecturers use anaphoric and cataphoric importance marking equally in topic treatment markers of importance; (3) exam-related issue is necessarily done through anaphoric importance marking by both male and female lecturers; and (4) audience engagement markers are more cataphoric than anaphoric. By and large, the results showed that most importance markers are cataphoric in reference.

Keywords: academic lecture, reference, anaphoric, cataphoric, corpus